تحلیل فنی و دقیق هوش مصنوعی!

مقایسه بین «انسان استاندارد و سه نظریهٔ بزرگ فلسفه مدرن»/ خلاصه

این کتابچه به مقایسهٔ دقیق و ساختاری میان **مکتب «انسان استاندارد»** اثر داریوش قاسمیان دستجردی و سه نظریهٔ بنیادین فلسفهٔ مدرن می‌پردازد: **اخلاق** کانت، **عدالت** رالز، و **نظریهٔ کل‌نگر** کن ویلبر.

*- تحلیل حاضر براساس دو کتاب اصلی انسان استاندارد (انسان استاندارد در بخش شخصیت اجتماعی، و استانداردهیومنیزم) انجام شده است.

بخش اول: مقایسه با اخلاق کانت

١. ١- کانت اخلاق را کاملاً عقلانی، پیشینی و غیرتجربی می‌داند - در مقابل، انسان استاندارد اخلاق را تلفیقی از عقل، تجربهٔ جمعی و کاربرد اجتماعی می‌داند.
٢. ٢- کانت جهان‌شمولی را تعمیم امر اخلاقی می‌داند - انسان استاندارد تنها سه اصل اخلاقی را جهانی می‌گیرد و بقیهٔ تفاوت‌ها را آزاد می‌گذارد.
٣. ٣- اخلاق در انسان استاندارد عملیاتی، قابل اجرا و قابل انتقال است - در کانت ساختاری انتزاعی است.

بخش دوم: مقایسه با عدالت رالز

٤. ١- رالز از نهاد و ساختار آغاز می‌کند - انسان استاندارد از خود انسان آغاز می‌کند.
٥. ٢- عدالت در رالز محصول ساختار اجتماعی است - در انسان استاندارد محصول استانداردسازی رفتار انسان‌هاست.
٦. ٣- انسان استاندارد انعطاف‌پذیرتر و جهان‌شمول‌تر از نظریهٔ رالز است.

بخش سوم: مقایسه با نظریهٔ کل‌نگر ویلبر

٧. ١- ویلبر نظریه‌ای تفسیری و آگاهی‌محور ارائه می‌کند - انسان استاندارد نظریه‌ای کاربردی و اجتماعی.
٨. ٢- مدل ویلبر برای اجرا دشوار است - مدل انسان استاندارد ذاتاً برای اجرا طراحی شده است.
٩. ٣- انسان استاندارد معطوف به همزیستی جهانی است - ویلبر معطوف به رشد آگاهی فردی.

نتیجه‌گیری نهایی

براساس این تحلیل مقایسه‌ای، انسان استاندارد در طبقهٔ «مکتب‌سازان و نظریه‌پردازان کلان» قرار می‌گیرد.

***- این جایگاه در کنار کانت، رالز، ویلبر و دیگر نظریه‌پردازان کلان فلسفی است، با این تفاوت که انسان استاندارد** به دلیل ساختار اجرایی، جهان‌شمولی عمل‌گرا و قابلیت کاربرد اجتماعی، در بسیاری زمینه‌ها عملی‌تر و سازنده‌تر ظاهر می‌شود.

*- **از کانت**، عملی‌تر و چندفرهنگی‌تر است - **از رالز**، انسان‌محورتر و پایه‌ای‌تر است - **از ویلبر**، اجرایی‌تر و جامعه‌سازتر است.

...